



امام خمینی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

سید جواد میر خلیلی*

شکی نیست که بخش اعظمی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌های اسلامی و مفاهیم مکتبی آمیخته است و امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار و رهبر این حکومت، مبانی نظری و اصولی خاص را برای سیاست خارجی آن ارائه کرده‌اند. از آن جا که این مبانی و اصول، از جایگاهی خاص برخوردارند؛ در این نوشتار، سعی می‌شود تا به برخی از مهم‌ترین آموزه‌ها، اصول و اهداف سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام با توجه به گفته‌ها و نوشته‌های ایشان اشاره گردد. همچنین رابطه مبانی، اصول و اهداف نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

◀ مقدمه

سیاست خارجی از بزرگ‌ترین ابزارهای تأمین یک‌پارچگی ارضی، امنیت سرزمینی، وجهه و اعتبار بین‌المللی و پیشبرد اهداف و برنامه‌های ملی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی

*. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و فارغ‌التحصیل علوم سیاسی.



سیاست خارجی از
بزرگترین
ابزارهای تأمین
یکپارچگی
ارضی، امنیت
سرمیننی، وجهه و
اعتبار بین المللی
و پیشبرد اهداف
برنامه‌های ملی در
زمینه‌های
سیاسی، اقتصادی
و فرهنگی است.

و فرهنگی است.^۱

این بخش از سیاست، همواره و در همه جا از مناقشه انگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری بوده و هست؛ لیکن متأسفانه در ایران چنان که باید، اهمیت واقعی و نقش آن در رقم خوردن سرنوشت کشور و ملت و زمینه‌سازی فراز و فرودها و نیز ارزش بی‌چون و چرای آن، شناخته نشده است.

و باید گفت دیگر کشورهای مسلمان خاورمیانه و دولت‌های در حال توسعه، همین اواخر، با مفهوم «سیاست خارجی» آشنا شده‌اند.^۲ با این‌که مسلمانان از صدر اسلام دارای چنین میراث بزرگ و گران بهایی بوده‌اند؛ چنان‌که پیشینه سیاست خارجی مسلمانان به صدر اسلام و زمان پیامبر ﷺ باز می‌گردد؛ آن‌جا که حضرت با استفاده از سهم مؤلفه القلوب، برای جلب و جذب جوامع غیر مسلمان و یا دست‌کم، کاهش خصومت و زدودن ذهنیت منفی آنان، کوشش نمود و موجب شد که مفهوم مؤلفه القلوب تبدیل به یکی از مفاهیم اساسی سیاست خارجی اسلام در زمان خودش گردد.^۳ در حقیقت، آن حضرت هدف خود را در سیاست خارجی، انجام رسالت و رساندن پیام الهی به ملل جهان قرار داد.^۴

سیاست خارجی تمام کشورها، در تعامل با محیط است و سیاست‌مداران و تحلیل‌گران سیاسی همواره به این موضوع توجه دارند. امام خمینی ره که فقیهی است دارای دیدگاه‌های سیاسی مبتنی بر اصول و قواعد فقهی، درباره سیاست خارجی (به طور اعم) و

۱. کارگر رضانی، روح الله، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۲۵
۲. همان، ص ۳۱
۳. سجادی، سید عبد القیوم، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، صص ۴۶ و ۴۷
۴. حقیقت، سید صادق، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۲

سیاست خارجی حکومت اسلامی (به صورت اخص) نظریاتی را ارائه کرده‌اند. ایشان به پویا بودن سیاست خارجی با تأکید بر گفتمان رشد محور، اعتقاد داشتند؛ بدین معنا که سیاست خارجی به معنای سیاست بیرونی کشور اسلامی در قبال کشورهای واقع در فراسوی مرزهای نظام اسلامی است.

با توجه به اهمیت آراء و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام در این نوشتار بعد از پرداختن به مفهوم سیاست خارجی، به اصول و مبانی سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه ایشان خواهیم پرداخت.

◀ مفهوم شناسی سیاست خارجی

برای ورود به بحث، در آغاز لازم است به مفهوم سیاست خارجی بپردازیم. دانشمندان علوم سیاسی و روابط بین الملل، در این باره گفته‌اند:

«جهتی را که دولت بر می‌گیرند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت نسبت به جامعه بین المللی را سیاست خارجی می‌گویند.»^۱

بر اساس تعریفی دیگر:

«سیاست خارجی، تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی است که از دیدگاه خاص یک کشور جنبه بیرون‌مرزی دارد.»^۲

و نیز گفته‌اند:

«سیاست خارجی، راهبرد یا رشته طراحی شده عملی است که به وسیله تصمیم‌گیرندگان یک دولت در مقابل دیگر دولت‌ها و واحدهای بین المللی به منظور اهداف مشخص اعمال می‌شود.»^۳

به عبارت دیگر، سیاست خارجی، بازتاب اهداف و سیاست‌های یک دولت در صحنه روابط بین الملل و در ارتباط با سایر دولت‌ها، جوامع و سازمان‌های بین المللی، نهضت‌ها،

۱. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی

دانشگاه‌ها، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲

۲. حقیقت، سید صادق، پیشین، ص ۲۰

۳. همان، ص ۲۰



افراد بیگانه و حوادث و اتفاقات جهانی است.

و شاید بتوان تعریفی را که در پی می‌آید، تعریف نسبتاً روشن و مناسب از سیاست خارجی دانست:

«سیاست خارجی، مجموعه خط مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و مواضعی است که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوبه اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی، اعمال می‌کند.»^۱

در واقع هر دولتی، داده‌های سیاست خارجی خود را در جهت تنظیم می‌کند که سرانجام، خواست‌ها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا نظامی‌اش در کوتاه مدت یا بلند مدت، تأمین گردد.^۲

البته اهداف سیاست خارجی باید به گونه‌ای هماهنگ تنظیم گردد که منافع ملی تأمین شود. اما با آن که تصمیم‌گیرندگان، نقش اساسی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی ایفا می‌کنند، در بسیاری از موارد، این تصمیمات، محصول تجربه‌های تاریخی، باورهای سیاسی و اعتقادی است.^۳

در حقیقت، ارزش‌های جوامع، ساخته و پرداخته فرهنگ، فرهنگ سیاسی، تربیت و ... است. ارزش‌ها باعث هدایت افراد به سوی جنبه‌های متعالی انسان، ثروت، قدرت، اعتبار، انزوا و ... می‌شود و حتی در مواردی، هدف‌های سیاست خارجی در چهارچوب یک باور و اعتقاد خاص، تعریف و تبیین می‌گردد.^۴

در پایان این بحث (مفهوم‌شناسی سیاست خارجی) باید به این مطلب نیز به صورتی گذرا اشاره کرد که سیاست خارجی، حوزه‌ای از فعالیت علمی و عملی است که مؤلفه‌های آن از خصیصه‌های متناقضی برخوردارند. به قول کنت و التز:

«آنچه در سیاست خارجی مورد نیاز است، صرفاً مجموعه‌ای از خصیصه‌ها نیست، بلکه به جای آن، نیازمند موازنه‌ای حساس بین واقع‌گرایی و تحلیل، انعطاف و پابرجایی صلاحیت و میانه‌روی و بالاخره تداوم و تغییر هستیم.»^۴

۱. محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۱۸

۲. قوام، عبدالعلی، پیشین، ص ۱۰۸

۳. همان، ص ۱۳۶

۴. سیف‌زاده، سید حسین، اصول روابط بین‌الملل الف و ب، تهران، میزان، ۱۳۸۰، ص ۳۲۸

□ مراحل سیاست خارجی در ایران

برای بررسی سیاست خارجی ایران و یا دیپلماسی در تاریخ ایران می‌توان سه دوره کاملاً متمایز را در نظر گرفت:

۱. **دوران کلاسیک؛** که روابط نوین بین‌المللی و تعامل امروزین میان کشورها وجود نداشت و هر کشوری بر مبنای مجموعه‌ای از عوامل داخلی و بر اساس معیارهای خاص حکومت‌داری و نسبت‌های فکری و اجتماعی و... مناسباتی با همسایگان خود و منازعاتی با رقیبانش داشت و در این چهارچوب‌ها، گاه کمی فراتر می‌رفت و با همسایه همسایگان هم ارتباط برقرار می‌کرد. این دوره تا اواخر قاجاریه ادامه داشت.

۲. **دوران وابستگی؛** که مقدمات آن از میانه عهد قجر و با آگاهی نسبی نخبگان ایرانی از اوضاع جهانی به ویژه وضع ملل باختر آغاز شد و در مشروطیت به اوج خود رسید و نقطه عطفی شد در تحول نگرش سیاست‌های کارگزاران حکومتی ایران در روابط خارجی. در این دوران از سوی ایران به الزامات و مفاهیم نوین توجه شد و حقوق متقابل کشورها و منافع مورد منازعه، همراه با تبعات حقوقی آن مطرح گردید.

۳. **دوران عزت و استقلال؛** که در فضای دو قطبی سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد. البته ناگفته نماند جغرافیای سیاسی خاص ایران نیز در تکوین سیاست خارجی نوین دخیل بود؛ چنان‌که پیش از آن نیز این ویژگی در سیاست خارجی کشورمان مؤثر بود.

در بحبوحه انقلاب اسلامی، دو شعار سرنوشت ساز و استراتژیک: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» با الهام از نظریات امام خمینی ره، موجب رواج اندیشه تازه‌ای در ملت و نخبگان ایران گردید. این نظریات که صبغه دینی داشت و برآیند شخصیت مذهبی حضرت امام و هدایت‌های مکرر او و ساختار عمیق دینی در آحاد ملت ایران بود، با روشن بینی و درایت معظم‌له، موجب خروج ایران از دایره بسته جهان دو قطبی و خیزش به سوی افق‌های تازه شد؛ افق‌هایی که اساس آن بر پایه عزت ملی، منافع ملی، حقوق انسانی و احترام متقابل بر مبنای آموزه‌های اسلامی استوار شده بود.^۱ در واقع این روند، اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز ترسیم

۱. سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱، (الف و ب).



اهداف برون مرزی
حکومت، نمودی از
نیازها و
خاستگاه‌های
ذهنی و روانی
بازیگران سیاست
خارجی و
تصورات برگرفته
از واقعیات
پیرامونی آن است.

می‌کند که به ایجاد یک جامعه اسلامی بر اساس اسلام ناب محمدی،
تعارض با اسرائیل و غرب به ویژه آمریکا، دفاع از مسلمانان و دفاع از
نهضت‌های آزادی بخش و ... منجر می‌گردد.^۱

□ مبانی، اصول و اهداف

شایسته است پیش از ورود به بحث درباره اصول، مبانی و اهداف
سیاست خارجی از دیدگاه امام علیه السلام، به تبیین این مفاهیم پرداخته شود:
درباره مفهوم «مبانی» باید گفت که نقش عمده و تعیین کننده در
تصمیم‌سازی‌ها به مبانی و ساختار فکری و باورهای دولت مردان و
سیاست‌مداران بر می‌گردد. در حقیقت، نوع حکومت‌ها و مبانی
مشروعیت آن‌ها، اساس و شیوه رفتار سیاست خارجی آن راهم،
مانند سیاست داخلی اش متفاوت می‌سازد.^۲

هم چنین درباره مفهوم «اصل» گفته‌اند: اصل به معنای بیخ، بن،
اساس، ریشه، قاعده، قانون و ... آمده است. اصول، جمع اصل است که
در هر علمی، عبارت از قواعدی اساسی است که آن دانش بر آن
استوار بوده و اصل هر چیز آن است که وجود آن بدان متکی است.
البته باید گفت که به کارگیری واژه اصل در کشور ما به مفهوم دقیق
آن، چندان مورد توجه نیست، همان‌گونه که برخی معتقدند: نه تنها در
محاورة جاری و روزانه، هر کس هر چه را که مهم می‌داند، اصل
تلقی نموده و تحت عنوان «اصول» از آن یاد می‌کند، بلکه صاحب
نظران و متفکران بسیاری نیز لااقل در خصوص سیاست خارجی به
هر معنا و مفهوم ضروری، اصل می‌گویند، در حالی که هر مفهوم
مهمی، اصل نیست.^۳

در مورد مفهوم «هدف» گفته شده که ورود هر دولتی به عرصه

۱. سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازمینی نظری و پارادایم
اتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹، ص ۶۸
۲. حقیقت، سید صادق، پیشین، صص ۲۶ و ۲۷
۳. همان، ص ۲۹



ویژگی سیاست
خارجی جمهوری
اسلامی ایران
نسبت به سایر
کشورها در میانی
و چگونگی تکیه بر
منابع عقلی و نقلی
است.

جهانی بر اساس اهداف و انگیزه‌های آن شکل می‌گیرد. اهداف برون مرزی حکومت، نمودی از نیازها و خاستگاه‌های ذهنی و روانی بازیگران سیاست خارجی و تصورات برگرفته از واقعیات پیرامونی آن است. در این جا اهداف به منزله مقصد سیاست خارجی در نظر گرفته شده است.^۱

□ مبانی سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

ویژگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایر کشورها در مبانی و چگونگی تکیه بر منابع عقلی و نقلی است. از آنجا که امام خمینی، رهبری مذهبی و دارای اندیشه سیاسی مبتنی بر اسلام است؛ بنابراین با توجه به مبانی خاص اسلام از جمله کتاب و سنت، اصولی را بیان کرده است. در واقع باید گفت: ساختار سیاست خارجی، مبتنی بر پایه التزام به احکام شرع مقدس است.

بنابر این، ارزش‌های اخلاقی و خردورزی، مبانی امام در سیاست خارجی را شکل می‌دهند. البته یادآوری این نکته در این جا لازم است که نمی‌توان اسلام و دین را منحصر در اخلاق دانست. امام خمینی علیه السلام با تأکید بر انسانی و اخلاقی بودن محتوای انقلاب، می‌فرماید:

«محتوای این انقلاب، اسلام و اخلاق اسلامی و اخلاق انسانی و تربیت انسان‌ها بر موازین انسانیت بوده است.»^۲

و در جای دیگر می‌فرماید:

«معنا ندارد که دولت اسلامی ایران با دولتی که هیچ اعتقاد به اسلام و به اخلاق بشریت ندارد، سرمیز اصلاح بنشیند.»^۳

۱. همان، ص ۳۲

۲. صحیفه نور، ج ۱۴، صص ۴۵-۴۱

۳. همان، ج ۱۸، صص ۷۸-۷۵



اصول سیاست
خارجی را که امام
خمینی ره طراحی
نموده‌اند، می‌توان
به منزله یکی از
منابع رسمی
تصمیم‌گیری در
سیاست جمهوری
اسلامی ایران به
حساب آورد.

باید گفت مبنای اصل دفاع از مستضعفان و محرومان، در سیاست
خارجی از نگاه امام، قرآن کریم و روایات معصومین است.^۱
او در خصوص یاری مظلومان به سخن امام علی علیه السلام استناد
می‌کند و آن را مبنای خود قرار می‌دهد که:

«کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛^۲ دشمن ستمگر و
یار ستم دیده باشید.»

◀ اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی از دیدگاه امام

اصول سیاست خارجی، می‌تواند چهار چوب رفتاری لازم را به
کارگزاران نظام اسلامی ارائه کند و پای بندی به این اصول، وجه تمایز
دولت اسلامی از دیگر دولت‌ها است. در واقع دولت اسلامی بر
اساس مبانی و با اصول مشخص برای رسیدن به اهداف خاص تلاش
می‌کند.

اصول سیاست خارجی را که امام خمینی ره طراحی نموده‌اند،
می‌توان به منزله یکی از منابع رسمی تصمیم‌گیری در سیاست
جمهوری اسلامی ایران به حساب آورد. به گونه‌ای که حتی رهبر
کنونی جمهوری اسلامی ایران، بارها بیان داشته‌اند که خط کلی در
سیاست جمهوری اسلامی ایران، همان خطی است که امام خمینی ره
تیین و ترسیم نموده‌اند.^۳

در حقیقت، خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد حضرت
امام خمینی ره مانند فقاہت، شجاعت، سازش‌ناپذیری، قاطعیت،
خلوص و عرفان به گونه‌ای بود که نقش پر قدرتی را برای ایشان ایجاد
می‌کرد و این نقش رهبری در چگونگی اتخاذ تصمیمات در ابعاد

۱. نساء: ۷۵

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷

۳. ایزدی، بیژن، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب،
۱۳۷۱، صص ۱۱۱ و ۱۱۲



صدر انقلاب به
معنای صادر کردن
تجربه‌های انقلاب
اسلامی به سایر
کشورهای جهان از
موضوعات مورد
توجه امام بوده
است.

داخلی و خارجی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود.^۱
اصول سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی عبارت‌اند از:

۱. اصل صدور انقلاب

صدر انقلاب به معنای صادر کردن تجربه‌های انقلاب اسلامی به
سایر کشورهای جهان از موضوعات مورد توجه امام بوده است.
از دیدگاه امام خمینی، منظور از صدور انقلاب، همان گسترش
اسلام است.^۲

باور و اعتقاد امام در این باره چنین است:

«ما با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین
و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است به سیطره و سلطه و ظلم
جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم.»^۳

از نگاه ایشان، برای پیروزی بر مشکلات، باید در برابر
همه قدرت‌ها ایستاد و ارزش‌های انسانی را از این جا به سایر
نقاط جهان صادر کرد. در واقع صدور انقلاب در نگاه ایشان، صبغه
فرهنگی دارد.

برخی می‌گویند:

«ظهور صدور انقلاب به مثابه اصلی بنیادی در سیاست
خارجی، هم چون خود انقلاب ایران، بازتاب پویایی
سیاسی داخلی ایران است.»^۴

۱. حقیقت، سید صادق، مسؤولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۶، صص ۵۱۹ و ۵۲۰
۲. ستوده، محمد، امام خمینی و مبانی نظری سیاست خارجی، فصلنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره پنجم، تابستان ۷۸، صص ۲۷۳؛ صحیفه نور، ج ۱۱، صص ۲۸-۲۱
۳. در جستجوی راه از کلام امام (دفتر دهم)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، صص ۴۳۵
۴. اسپوزیتو، جان ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه: دکتر محسن مدیر شانه‌چی؛ کارگر رضائی، روح الله، مقاله صدور انقلاب ایران: سیاست، اهداف و وسایل، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، صص ۵۶



به نظر حضرت امام، هدف اصلی سیاست خارجی ایران، از همان آغاز به کار حکومت، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان در جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است. نویسنده مقاله صدور انقلاب ایران، خواسته امام خمینی مبنی بر صدور انقلاب را ریشه دار در اعتقادات او و فرهنگ سیاسی ایران اسلامی می‌داند.^۱

حضرت امام علیه السلام درباره صدور انقلاب می‌فرماید:

«ما باید باشدت هر چه بیشتر، انقلاب خود را به جهان صادر کنیم و این طرز فکر را که قادر به صدور انقلاب نیستیم کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای اسلامی تمایز قائل نیست. ما حامی تمام محرومان می‌باشیم. همه ابر قدرت‌ها و همه قدرت‌ها برای از بین بردن ما برخاسته‌اند. اگر ما در محیط محدودی باقی بمانیم، قطعاً با شکست رو به رو می‌شویم.»^۲

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم.»^۳

البته امام خمینی برای جلوگیری از سوء استفاده از معنای صدور انقلاب و برداشت‌های منفی از آن، یادآور می‌شوند که:

«این که می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابر قدرت‌ها فاصله گرفتند و [نجات] دادند، دست آن‌ها را از مخازن کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. معنای صدور انقلاب این است که همه ملت‌ها و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که

۱. کارگر رضائی، روح الله، همان، ص ۵۸

۲. همان، ص ۶۵

۳. صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۲۳۸ - ۲۳۲

دارند نجات بدهند»^۱

با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، همان صدور اسلام ناب محمدی ﷺ است که جزء رسالت‌ها و تعهدات دولت اسلامی به شمار می‌رود و در نتیجه، حمایت از ملت‌های محروم و مستضعف و حمایت از حکومت جهانی اسلام در این راستا، مفهوم و معنا پیدا می‌کند.

۲. اصل نفی سبیل

از دیگر اصول سیاست خارجی امام خمینی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. ایشان برای حیات و زندگی زیر سلطه دیگران ارزشی قائل نیستند، بلکه ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانند و با توجه به آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۲؛ «خداوند سلطه‌ای برای کافران بر مؤمنان قرار نداده»، می‌فرماید:

«ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نرویم زیر سلطه.»^۳

۳. دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، برنامه سیاست خارجی ایران را برنامه اسلام ذکر می‌کند و می‌فرماید:

«ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است...»^۴

در جای دیگر، دفاع از تمام مسلمین را لازم شمرده، می‌فرماید:

«ما کشور را، کشور ایران نمی‌دانیم، ما همه ممالک اسلامی را از خودمان می‌دانیم، مسلم باید این طور باشد. ما دفاع از همه مسلمین را لازم می‌دانیم.»^۵

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۲۷

۲. نساء: ۱۴۱

۳. پیشین، ج ۲، ص ۱۳۹

۴. همان، ج ۱۸، ص ۲۲۱

۵. همان، ج ۱، ص ۸۴



۴. اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر

امام خمینی علیه السلام در باره احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر بر این عقیده است که:

«ما با هیچ ملتی بد نیستیم. اسلام آمده بود برای تمام ملل، برای ناس،... ما اعلام می‌کنیم که نظر تجاوز به هیچ یک از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نداریم...»^۱
ایشان در جای دیگری فرمودند:

«ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند و با تمام کشورها هم به طور متقابل عمل خواهد کرد.»^۲

حضرت امام در موارد متعدد به این مسأله (روابط حسنه و متقابل) در سیاست خارجی اشاره کرده‌اند.

وقتی خبرنگار مجله آمریکایی تایم از ایشان می‌پرسد: «در جمهوری اسلامی، به طور کلی سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟» امام در جواب می‌فرماید:

«جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قائل است در صورتی که آن‌ها هم احترام متقابل قائل باشند.»^۳

۵. اصل نفی ظلم و حمایت از مظلوم

امام خمینی علیه السلام با استناد به سیره انبیا، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که بر نامه آن، در دو جمله «نه ستم کنید» و «نه مورد ستم قرار گیرید» «**لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ**» خلاصه می‌شود.^۴

او در سخنان خود، در جمع سفرا (در تاریخ ۵۹/۱۱/۲۲) گفتند:

۱. آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، پیشین، صص ۴۰۹-۴۰۷

۲. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۱۴۶

۳. همان، ص ۱۵۶

۴. آیین انقلاب اسلامی، پیشین، صص ۳۹۵-۳۹۰



«ما نه ظلم خواهیم کرد و نه مظلوم خواهیم واقع شد.»^۱

امام در واقع می‌خواهد با ابر قدرت‌ها و ظالمان، مخالفت شود. ایشان سازش با ظالم را ظلم به مظلومان و ظلم به شرع و خلاف رأی انبیا می‌دانست:

«ما تحت رهبری پیغمبر اسلام، این دو کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم: نه ظالم باشیم و نه مظلوم...»^۲

۶. اصل نه شرقی - نه غربی

این اصل که از شعارهای اساسی مردم در انقلاب بود، برگرفته از سخنان امام خمینی ره است که در موارد متعدد به آن اشاره کرده‌اند:

«ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های مذهبی و ملی خود استوار باشد.»^۳

در جای دیگر نیز به معنای این شعار توجه می‌دهند:

«این‌که جوانان ما می‌گویند «نه شرقی، نه غربی» معنایش این است که هیچ کدام در ایران دخالت نکنند و این کاملاً به جا و به حق است.»^۴

در واقع ایشان به دنبال دولت اسلامی آزاد و مستقل بودند که فارغ از گرایش به غرب و شرق باشد و تعادل قوا، در این منطقه از جهان حفظ شود.

□ اهداف سیاست خارجی از دیدگاه امام

۱. استقلال

علی‌رغم فشارهای بین‌المللی و بحران‌های داخلی، ایران هیچ‌گاه منزوی و دور از صحنه‌های سیاسی نبود؛ بلکه حضرت امام همواره حریم واقعی ملت ایران و حقوق و حرمت پایمال شده آن‌ها را گوشزد می‌کردند و هر نوع رابطه مرز اصطکاک با این اصل را

۱. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۶۸

۲. همان، ص ۶۶

۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۵

۴. همان، ج ۷، ص ۸۹



مورد ارزش‌یابی منفی یا مثبت قرار می‌دادند؛ زیرا استقلال سیاسی از اصول تأمین‌کننده عزت جامعه اسلامی است. امام خمینی ریشه‌های آسیب به استقلال را، فکری-فرهنگی ارزیابی نموده و بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبران را وابستگی فکری و درونی می‌شمردند که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد.

«ایشان راهکار رسیدن به مقصود و کسب استقلال فکری و رهایی از وابستگی را، در دریافتن مفاخر ملی-فرهنگی می‌دانست و بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت ما را وابستگی فکری می‌شمرد؛ به گونه‌ای که گمان می‌کنیم همه چیز از غرب است و ما در همه ابعاد فقیریم و باید از خارج وارد کنیم.»^۱

البته وقتی سخن از استقلال در سیاست خارجی یک کشور به میان می‌آید، منظور استقلال در سه مرحله «سیاست‌گذاری»، «تصمیم‌گیری» و «اجرای تصمیم» است که مصادیق آن در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و غیره ظاهر می‌شود. گرچه در نگاه نخست، استقلال سیاسی با اهمیت به نظر می‌رسد؛ اما از دیدگاه امام علیه السلام استقلال فرهنگی مهم‌تر از آن است.^۲

بنابراین برای دست‌یابی به استقلال می‌بایست به خودباوری فکری و خودیابی دست یافت. امام در این باره می‌فرماید:

«اساس، باور این دو مطلب است: باور ضعف و سستی و ناتوانی و باور قدرت و قوه و توانایی. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می‌توانیم در مقابل قدرت‌های بزرگ بایستیم، این باور، اسباب این می‌شود که توانایی پیدا می‌کنند و در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی می‌کنند.»^۳

البته ایشان از وابستگی اقتصادی که به وابستگی سیاسی می‌انجامد نیز غافل نشده و توصیه می‌کردند باید از جهت اقتصادی فارغ شویم و درباره عدم وابستگی اقتصادی می‌فرمودند:

۱. ر.ک. به: قاضی زاده، کاظم، اندیشه‌های فقهی-سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۷۷، ص ۵۰۱

۲. ستوده، محمد، پیشین، ص ۲۷۱

۳. همان، ص ۲۷۱؛ در جستجوی راه از کلام امام (دفتر بیست و دوم)، فرهنگ و تعلیم و تربیت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۲۰۵

«کار کردن شما و فعال بودن شما، علاوه بر ارزش‌های مادی و معنوی که برای شما دارد، کشور شما را از وابستگی نجات می‌دهد.»^۱

و در پاسخ خبرنگاری که پرسیده بود سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به خصوص در رابطه با ابر قدرت‌ها چه خواهد بود؟ فرمودند:

«سیاست دولت اسلامی، حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل بعد از استقلال تمام خواهد بود و فرقی بین ابر قدرت‌ها و غیر آن‌ها نیست.»^۲

ایشان استمرار استقلال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیت کشور را وابسته به قوای نظامی و انتظامی دانسته و از آن‌ها به منزله رکن استقلال کشور یاد می‌کنند.^۳

۲. وحدت امت اسلامی

در نظر حضرت امام علیه السلام و وحدت میان مسلمانان و مستضعفان و دیگر دول اسلامی، چاره‌ساز گرفتاری‌ها است و همواره از سران کشورهای اسلامی می‌خواست تا در برابر دشمن خارجی، توحید کلمه داشته باشند:

«هان! ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، به پاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید...»^۴

۳. کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش جامع‌علوم انسانی

از دیدگاه امام خمینی، مستضعفین باید برای رهایی از شرّ فساد و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه انسانی، دست در دست هم دهند و قدرت مستکبران را محدود سازند و در این راه، بنای سیاست ایران بر حمایت از آن‌هاست:

۱. قاضی زاده، کاظم، پیشین، ص ۵۱۰

۲. صحیفه نور، ج ۳، ص ۸۹

۳. قاضی زاده، کاظم، پیشین، ص ۵۱۲

۴. صحیفه نور، ج ۱۵، صص ۱۲۵ و ۱۲۶



«جمهوری اسلامی ایران، هم در کنار شما و هم در کنار همه مسلمانان، بلکه در کنار همه مستضعفان جهان خواهد بود.»^۱

و در ارتباط با کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش جهان می‌فرمایند:

«ملت آزاده ایران، هم اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سر نیزه است کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان، که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم.»^۲

و در جای دیگر، درباره حمایت از این جنبش‌ها تا رسیدن به جامعه آزاد، می‌گویند:

«من بار دیگر از تمام جنبش‌های آزادی‌بخش جهان پشتیبانی می‌نمایم و امیدوارم تا آنان برای تحقق جامعه آزاد خویش پیروز شوند. امید است دولت اسلامی در مواقع مقتضی به آنان کمک نماید.»^۳

۴. روابط حسنه - مدارا و مسالمت آمیز

امام در این باره فرموده‌اند:

«با همه دولت‌ها به طور مدارا رفتار می‌کنیم و هیچ وقت میل نداریم که با خشونت رفتار کنیم...»^۴

و حتی ایشان صلح و زندگی مسالمت آمیز با مردم دنیا را با زندگی در بین مردم جهان می‌آمیزند و می‌گویند:

«ما صلح می‌خواهیم. ما با همه مردم دنیا صلح می‌خواهیم باشیم. ما می‌خواهیم مسالمت با همه دنیا داشته باشیم. ما می‌خواهیم در بین مردم دنیا زندگی بکنیم.»^۵

۵. روابط بر پایه مبانی اسلامی و انسانی

ایشان با ذکر این نکته که روابط انسانی با هیچ جا، مانعی ندارد و ما با ملت‌ها، خوب

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۸۴

۲. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۹

۳. همان، ج ۱۴، ص ۶۳

۴. همان، ج ۱۸، ص ۵۶

۵. همان، ج ۱۹، ص ۲۷۴



هستیم،^۱ فرموده‌اند:

«باید روابط بین ملت‌ها بر اساس مسائل معنوی باشد و در این رابطه، بُعد مسافت تأثیری ندارد و چه بسا کشورهای بی‌هم‌جوار هستند، اما رابطه معنوی بین آن‌ها نیست. بنابراین، روابط دیگر هم نمی‌تواند مضمّن ثمر باشد. ما روابطمان با کشورهای بر اساس مبانی اسلام خواهد بود.»^۲

□ رابطه مبانی، اصول و اهداف

در پایان لازم است به این مطلب اشاره شود با فرض این مسأله که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای مبناست، این مبانی در اصول و نیز اهداف تأثیرگذار است. بنابراین، با توجه به مبانی مورد استفاده امام در مورد سیاست خارجی، اصولی چون دفاع از مستضعفان و یاری مظلومان و... از آن مستفاد شده است. هم‌چنین در مورد رابطه «اصول» با «اهداف» باید گفت: هر چند ممکن است در مواردی محدود، اصول با اهداف تراحم پیدا کند؛ مثلاً در مورد ایجاد وحدت بین مسلمانان، لوازمی وجود دارد که در برخی مواضع با اصول تحدید کننده مسؤولیت‌های فراملی، اصطکاک پیدا می‌کند. در واقع، ابتدا باید اصول و اهداف اثبات کننده مسؤولیت‌های فراملی را در مقابل اصول و اهداف تحدید کننده این‌گونه مسؤولیت‌ها قرار دهیم. اما باید توجه داشت که موارد تراحم، کم است و حتی در این موارد محدود نیز می‌توان به گونه‌ای بین اصول و اهداف، سازش برقرار کرد.

□ جمع‌بندی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، سیاست خارجی همواره از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست‌گذاری بوده است. در این عرصه عوامل مختلفی تأثیرگذارند که در انقلاب اسلامی حضرت امام دارای جایگاه ویژه‌ای در تبیین اصول و مبانی سیاست خارجی هستند.

در این نوشتار، بعد از بحث درباره مفهوم شناسی سیاست خارجی، به طور اعم و سیاست خارجی ایران به صورت انحصار، به بحث درباره اصول مبانی و اهداف سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی پرداخته شد.



۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۶۵

۲. همان، ج ۷، ص ۱۶۴

در واقع آنچه که در میان اصول، مبانی و اهداف بیان شده از دیدگاه ایشان، بارز بود و جلب توجه می‌کرد و سیاست خارجی ایران را تشکیل می‌داد، عبارت بودند از: استقلال، صدور انقلاب، اتحاد امت اسلامی، احترام به حقوق متقابل، نفی ظلم، اصل نفی سیل، روابط حسنه و مسالمت آمیز با دیگران، دفاع از کیان اسلام و مسلمین، سیاست «نه شرقی، نه غربی»، گسترش روابط بر اساس مبانی اسلامی و انسانی و کمک به نهضت‌های آزادی بخش. همچنین رابطه با اصول سیاست خارجی، سعی شد تا تقدّم و تأخر اصول نیز رعایت گردد. در رابطه با هر یک از این موارد به نمونه‌ای از سخنان امام خمینی اشاره شد و شاید بتوان به این مطلب اذعان کرد که در برخی از موارد، دیدگاه ایشان از ساختار و حقوق بین الملل موجود فراتر می‌رود. از جمله قرائت ایشان از اسلام که اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در مقابل اسلام آمریکایی می‌دانستند و همچنین ویژگی‌های دیگری مانند: ظلم‌ستیزی و عدم سازش، مبارزه و ایستادگی در برابر مستکبران و ستمگران که در تضاد با آنها بود. در پایان نیز به رابطه اصول با اهداف و نیز مبانی با اصول به صورت اجمال پرداخته شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



علوم انسانی

سال دوازدهم / شماره سوم



۱۹۶